

چرا والدین کارآفرین فرزندان کارآفرین دارند؟ (قسمت اول)^۱

مترجم: مریم حکیم زاده شرق^۲

چکیده:

کارآفرینی والدین یک فاکتور تعیین کننده قوی و احتمالا قویترین نوع از خود کارآفرینی است. ما در این مقاله به کشف ریشه های ارتباط بین نسلی در کارآفرینی و به طور خاص، به شناسایی اثرات جداگانه از عوامل قبل و بعد از تولد (طبیعت و تربیت)، با استفاده از یک مجموعه داده منحصر به فرد از فرزند خوانده ها سوئدی می پردازیم. مشخصه بی نظیر این مقاله است که نه تنها شامل اطلاعات در مورد وضعیت شغلی فرزندخوانده ها و والدینشان است بلکه درباره پدر و مادر واقعی خودشان نیز می باشد.

بعلاوه، ما در این مقاله از مقایسه داده ها بر روی کارآفرینی در مورد نمونه بزرگی به عنوان نماینده از جمعیت مردم سوئد استفاده می کنیم. بر اساس نمونه دومی، و مطابق با یافته های قبلی، والدین کارآفرین احتمال کارآفرینی کودکان را در حدود ۶۰٪ افزایش می دهد. ما همچنین در این مقاله نشان می دهیم که در مورد فرزندخوانده، چه والدین واقعی و چه والدین غیرواقعی سهم مهم و قابل توجهی دارند. اگر چه این اثرات در اندازه کاملا متفاوت هستند. اثر فاکتورهای پس از تولد (در مورد والدین خوانده) تقریبا دو برابر بیشتر از فاکتورهای قبل از تولد (در مورد والدین واقعی) است. مجموع این دو اثر (عوامل قبل و بعد از تولد) در مورد فرزندخوانده ها تقریبا با انتقال بین نسلی کارآفرینی در مورد فرزندان واقعی برابر است. ما در این مقاله به کشف توضیحات کاندیداهای متعدد در زمینه اثر فاکتور مهم پس از تولد و شواهد مطرح فعلی به نفع نقش مدل سازی می پردازیم.

واژگان کلیدی: فرزندخواندگی، کارآفرینی، خود اشتغالی، پویایی بین نسلی، انتخاب شغلی، الگو

^۱ این نوشتار برگردان مقاله زیر است و در چند قسمت ارائه می شود:

Matthew J. Lindquist SOFI, Stockholm University Joeri Sol University of Amsterdam
,Mirjam Van Praag University of Amsterdam, July 2012

^۲ کارشناس ارشد مدیریت تکنولوژی - دانشگاه UTM hakimzade.ma@gmail.com

مقدمه:

چرا بعضی از آدم‌ها کارآفرین میشوند ولی بعضی دیگر نمی‌شوند؟ ادبیات کارآفرینی تعدادی از عوامل زیست محیطی و صفات ارثی را که برای انتخاب اثر می‌گذارند را اثبات می‌کند.^۱ قوی‌ترین پیش‌بینی کارآفرینی عبارت است از کارآفرینی والدین، دارابودن والدین کارآفرین احتمال اینکه فرزندشان در نهایت کارآفرین شود را به میزان ۱,۳ تا ۳ افزایش می‌دهد.^۲ در حالی که این واقعیت به طور گسترده‌ای پذیرفته شده است، اما هنوز هیچ اتفاق نظری در رابطه با وجود ریشه‌های انتقال کارآفرینی از نسلی به نسل دیگر وجود ندارد. تا کنون هیچ یک از مطالعات نشان نداده است که توضیحات عوامل محیطی گوناگون انتقال ژن از والدین به کودک را کنترل می‌کند. ممکن است متعصبانه به نظر بیاید که نتایج مطالعات اخیر منجر به کشف یک عنصر ژنتیکی بزرگ در انتخاب برای تبدیل شدن به یک کارآفرین شده است.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که کارآفرین بودن والدین احتمال کارآفرین شدن فرزندان تنی آنها را تا ۶۰ درصد افزایش می‌دهد. اثر فاکتورهای پس از تولد (برای مثال اثر والدین ناتنی) تقریباً دو برابر بیشتر از اثر فاکتورهای قبل از تولد (برای مثال اثر والدین تنی) است. انتقال کارآفرینی از مادر به دختر خیلی قویتر است نسبت به انتقال کارآفرینی از پدران به دختر. در مورد پسران اثر پدران کارآفرین به طور قابل توجهی قویتر از اثر مادران کارآفرین می‌باشد. همچنین مطالعات درباره دوقلوها بیانگر این واقعیت است که دوقلوهای همسان تمام ژن‌های خود را به اشتراک می‌گذارند در حالی که دوقلوهای دو تخمکی تنها نیمی از ژن‌ها را به اشتراک می‌گذارند. در سه مطالعه‌ای که اخیراً در مورد دوقلوها انجام شده توضیح داده شده که تقریباً ۴۰ درصد متغیر کارآفرینی از طریق ژنتیکی منتقل می‌شود.^۳

^۱ فاکتورهای محیطی شامل محدودیت سرمایه (Blanchflower and Oswald 1998) اثرات هم‌تا (Nanda and

Sørensen 2010) و تأثیرات منطقه‌ای (Reynolds, Storey, and Westhead 1994)

^۲ Arum and Mueller 2004, Colombier and Masclet 2008, Dunn and HoltzEakin 2000, and Sørensen 2007)

^۳ (Nicolaou et al. 2008, Zhang et al. 2009, Nicolaou and Shane 2010, and Nicolaou and Shane 2011)

ادبیات کارآفرینی، بطور قابل توجهی در دهه گذشته پیشرفت کرده است و این تا حدود زیادی از اثرات کارآفرینی بر روی ایجاد شغل و نوآوری نشأت گرفته است. ساختار کلی این مقاله از این قرار است (بخش دوم به مرور پژوهش‌های تجربی و بحث در زمینه تهدیدهای شناسایی شده، بخش سوم به ارائه توصیفی از روند فرزندخواندگی در سوئد و مجموعه ای از داده ها و آمارتوصیفی، بخش چهارم به آنالیز و نتایج اساسی انتقال بین نسلی کارآفرینی، بخش پنجم به تجزیه و تحلیل، بخش ششم به معقولیت پژوهش‌های تربیتی برای انتقال اثرات بعد از تولد کارآفرینی و نهایتاً بخش هفتم به ارائه نتایج و تفاسیر پرداخته شده است.

۲) روش شناسی تجربی:

۲-۱) مدل‌های رگرسیون: سوال کلیدی در این مقاله این است که: چرا ما ارتباط بین نسلی در کارآفرینی پیدا می‌کنیم؟

مکانیزم‌های بالقوه را می‌توان در دو دسته گسترده قرار داد:

۱- عوامل قبل از تولد.

۲- عوامل بعد از تولد

در روش شناسی ما از اطلاعات همه چهار والدین بچه‌های فرزند خوانده به منظور تخمین عوامل قبل از تولد و بعد از تولد مستقیماً استفاده می‌کنیم. با استفاده از این تخمینها می‌توان اهمیت نسبی عوامل قبل و بعد از تولد برای تولید ارتباط بین نسلی در کارآفرینی را ارزیابی نمود.

از آنجایی که فعالیت‌های کارآفرینی در مراحل مختلف چرخه زندگی ملزم به تغییر است ما در رگرسیون سال تولد بچه‌ها و والدین را به حساب می‌آوریم. همچنین شهر محل اقامت فرزندان جهت کنترل متغیرها در فعالیت‌های کسب و کار در سراسر مناطق جغرافیایی و نیز جنسیت فرزندان برای احتساب تفاوت‌های جنسیتی در کارآفرینی را در رگرسیون در نظر می‌گیریم.

۲-۲) شناسایی فرضیات: ما همچنین فرض کرده ایم که عوامل قبل و بعد از تولد در انتخاب کارآفرینی فرزندان دخیل هستند.

اگرچه تعاملات ژنتیکی - محیطی بطور گسترده در ادبیات ژنتیک رفتاری مورد بحث قرار گرفته اند ولی در مدل خطی ما اهمیت تعاملات ژنتیکی - محیطی مشخص نشده است.

۳) موسسات و داده ها

۳-۱) فرزندخواندگی در کشور سوئد: در این بخش به توضیحی اجمالی از فرآیند فرزندخواندگی در سوئد می‌پردازیم. حق فرزندخواندگی در کشور سوئد از طریق دادگاه واگذار می‌گردد و اعطای آن به شکل خصوصی غیر قانونی است. دادگاه در تعامل با مقامات رفاه اجتماعی محلی که به نوبه خود، مسئولیت اولیه تحقیق در مورد مناسب بودن والدین آینده و حفاظت از منافع کودکان را به عهده دارد عمل می‌کند. الزامات قانونی صریح و اندکی در مورد واجد شرایط بودن اتخاذ فرزندخواندگی در سوئد وجود دارد. والدینی حداقل ۲۵ سال سن و عاری از بیماری سل و یا بیماری‌های جنسی باید باشند. فرزندخواندگی توسط بستگان دارای مجوز است ولی بسیار نادر پیش می‌آید. خانواده باید مسکن مناسب و پدر خانواده باید درآمد ثابت داشته باشد.

زن و شوهر(والدین) باید ازدواج قانونی کرده باشند و مادر خانواده باید قادر به ماندن در خانه باشد حداقل تا وقتی فرزند در سنین پایین و کودکی است. والدین نباید فرزند تنی داشته باشند و خیلی بعید است که در آینده هم بتوانند داشته باشند. والدین نباید بیش از حد مسن باشند و ترجیحا از نظر تحصیلات و درآمد در شرایط مثبت و مناسبی باشند^۱. به طور کلی، کودکانی که از مادران ازدواج نکرده متولد شده اند و برای فرزندخواندگی قرار داده شده اند تا به مادران ازدواج نکرده متولد شد، زمان تولد وزن کمتر داشته و از سلامت عمومی کمتری برخوردارند. احتمالات را برای کودکان تازه متولد شده. بچه ها هم در یک مهد کودک خاص قرار داده شد، در یک خانه بطور کلی چهار احتمال از نظر جایگاه اولیه برای کودکان تازه متولد شده وجود دارد^۲:

۱. برای مادران ازدواج نکرده، در نگهداری فرزند موقت، و یا به طور مستقیم در خانه از خانواده اتخاذ. نمونه مورد مطالعه فرزندخوانده ها توسط بامن (۱۹۷۰) از همان متوسط وزن هنگام تولد و سلامت عمومی برخوردارند(در سنین ۱۰ الی ۱۱ سالگی) که همسالان غیرفرزندخوانده شان در مدرسه دارند. درصد کودکانی که به فرزندخواندگی دائمی گرفته

¹ (Bohman 1970)

² (Nordlöf 2001)

می‌شوند بین سن یک و دوسالگی از ۱۶٪ به ۱۱٪ سقوط می‌کند و بین سن دو و سه سالگی از ۱۰٪ به ۳٪ نزول می‌کند (نوردولف ۲۰۰۱). بنابراین ۹۰ الی ۹۷ درصد از همه کودکانی که به فرزندخواندگی دائمی پذیرفته می‌شوند در طی دوره زمانی قبل از ۳ سالگی قرار دارند. در مجموع سهم غیر بدیهی از نمونه این پژوهش کودکان فرزندخوانده ای است که پس از سن یک سالگی وارد خانواده های خوانده خود شده اند.

۳,۲ داده ها و آمار توصیفی:

داده های این پژوهش به شرح ذیل جمع آوری شده اند:

یک نمونه تصادفی ۲۵ درصدی از نسل‌های متفاوت سوئدی که متولد ۱۹۳۲ به بعد هستند و در هر زمانی از سال ۱۹۶۱ در سوئد زندگی کرده اند. آمارها در سوئد همچنین همه افرادی که حداقل توسط یکی از والدین در سوئد به فرزندخواندگی گرفته شده اند را شناسایی کردند. از آنجایی که فرزندخواندگی یک پروسه قانونی متمرکز در سوئد است اطلاعات ثبت شده همه افرادی که به فرزندخواندگی گرفته شده اند و همه مادران و پدران که فرزندی را پذیرفته اند را شناسایی می‌کند. برای کودکان فرزندخوانده که در سوئد متولد شده اند و شامل نمونه پایه این پژوهش می‌شود ما همچنین می‌توانیم هویت ۸۵ درصد از مادران و ۴۳ درصد از پدران اصلیشان را شناسایی کنیم. شناسایی هویت پدر و مادر اصلی کودکان فرزندخوانده کاملاً منحصربه فرد به اطلاعات سوئدی و کلید استراتژی تجربی ما در این پژوهش است. ما از این اطلاعات برای ایجاد دو نمونه در این پژوهش استفاده می‌کنیم: یک نمونه فرزند خواندگی و یک نمونه غیرفرزندخواندگی.

برای هر دو نمونه ما در این پژوهش یکسری محدودیت‌هایی را به شرح زیر قرار داده ایم: همه کودکانی که در خارج از سوئد متولد شده اند را حذف می‌کنیم زیرا فقط اطلاعات والدین اصلی کودکانی را داریم که در سوئد دنیا آمده اند و به فرزندخواندگی گرفته شده اند. همچنین همه افرادی که در سال ۱۹۷۰ یا بعد از آن متولد شده اند را حذف می‌کنیم.

(پایان قسمت اول)